



غلوگرایان و زندگی آنان

محمدجواد حسن زاده^۱

چکیده:

غالیان، یا غلات (همچنین غلاة) عنوانی برای گروه‌ها و افراد افراطی در مذهب شیعه. در کتاب‌های ملل و نحل، غلو به معنای عقیده‌های افراطی در باب ائمه (ع) و رساندن آنها به حد خدایی یا نبوت آمده است. برخی از معروف‌ترین فرقه‌های غالی که در کتاب‌های ملل و نحل آمده است عبارتند از: سبائیه، کیسانیه، بیانیه، خطابیه، قرامطه و تفویضیه. الوهیت ائمه (ع)، حلول خدا در آنان، نبوت ائمه، تناسخ و نسخ شرایع برخی از عقاید غلات است. کتاب‌های ملل و نحل، بسیاری از فرقه‌های غالی را زیرمجموعه شیعه قرار داده‌اند. بررسی عقاید این فرقه‌ها و احوال پایه‌گذاران آنها و موضع‌گیری امامان و عالمان بزرگ شیعه، بیرون بودن غالیان از تشیع را نشان می‌دهد. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و از نوع توصیفی می‌باشد و به موضوع غالیان، تاریخچه و عقاید پرداخته می‌شود.

کلیدواژه: غالیان، تاریخچه، عقاید، ائمه (ع)، خدا

مقدمه

«غلو» به عنوان جریانی انحرافی در دین و دینداری و نیز اهل غلو از دیرباز از پدیده‌ها و معضلات فرهنگ اسلامی نزد مسلمانان شناخته می‌شوند. «غلو» در لغت به معنای تجاوز و زیاده روی از حد و اندازه است؛ «غالیان»: کسانی اند که به امیرمؤمنان (ع) و امامان دیگر از نسل آن حضرت - نسبت خدایی دادند.

جهل و محبت زیاد از سوی شیعیان ساده دل و رسیدن به جاه و مال از سوی رهبران «غلات»، از مهمترین انگیزه‌های غلوکنندگان است. با استناد به آیات و روایات و موضع‌گیری اهل بیت (ع) و همچنین مخالفت متکلمان و علماء امامیه با «غالیان»، بطلان این عقیده اثبات می‌شود.

زیارت جامعه کبیره، مملو از ذکر فضایل ائمه اطهار (ع) است، لکن هیچگونه تعبیر غلوآمیزی در آن نشده است. در انتها به نقد نظریه علمای ابرار که منزلت ائمه (ع) را در حد دانشمندان پرهیزکار پایین می‌آورند و مدعی اند، شیعه صفات فوق بشری را به ائمه (ع) نسبت می‌دهد می‌پردازیم. در این تحقیق هدف پاسخگویی ذیل می‌باشد که نظریه غالیان، تاریخچه و عقاید آنان چیست؟

۱. دانشجوی دکترا روانشناسی صنعتی، استاد دانشگاه پیام نور، شازند، ایران

پیشینه و تاریخچه تحقیق

ابتدا نگاه کوتاهی به سیر تاریخی و تاریخچه علمی این بحث می‌اندازیم:

پیدایی و دیگرگونی جریان غلو هر چند در منابع فرقه‌شناختی گرایشی عمومی به قلمداد کردن غالبان و پدیده غلو به عنوان یکی از لوازم یا پیامدهای رویکرد شیعی وجود دارد، و البته به رغم آنکه بیشترین بروز و ظهور غلو و غالبان نیز در شیعیان نخستین بوده است، اما با نگاهی به منابع تاریخی این حقیقت آشکار می‌شود که غلو نسبت به کسان، به‌ویژه نسبت به رهبران دینی به زمانی پیش از ظهور نخستین گروه‌های غالی در میان شیعه بازمی‌گردد.

چنان که شیعی می‌نویسد، عمر که خود در روزگار خلافتش یکی از مخالفان سرسخت پدیده غلو بود، پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، مرگ آن حضرت را باور نداشت و گویا پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را فراتر از آن می‌پنداشت که به‌سان دیگر انسانها بمیرد. از همین روی بود که ابوبکر او را به بشر بودن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و این آیه قرآن که «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَنْهُمْ مَيِّتُونَ»^۲ توجه داد.

از دیدگاه شیعی، پدیده غلو پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز در جامعه مسلمانان به حیات خود ادامه داده و زیاده‌روی کتابهای کلامی در ردیف کردن معجزات و کرامات پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از گواه‌های این حقیقت است.^۳ گاه کار این زیاده‌نگاری نسبت به اشخاص چنان بالا می‌گیرد که هر چه را اندک تعلقی به آنان دارد نیز در بر می‌گیرد، چنان‌که برای نمونه کسانی از سپاهیان نبرد جمل بر پیرامون شتر عایشه گرد می‌آیند و سرگین شتر را تنها از آن روی که شتر به همسری از همسران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تعلق دارد می‌بویند و می‌گویند: «بوی سرگین شتر مادر ما بوی مشک و عنبر است».^۴

اما در گذر تاریخ، غلو نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله چندان عرصه‌ای برای ظهور و گسترش نیافت و آنچه بیشتر در جوامع مسلمانان رخ نمود، غلو نسبت به شخصیت بزرگ و ستودنی اسلام پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یعنی حضرت علی علیه‌السلام بود و از همین هنگام بود که غلو در جامعه شیعه یا گروه‌های منتسب به شیعه رخ نمود.

کوفه و پیدایش غلو شیعی کوفه شهری که در روزگار عمر به عنوان مرکز فرماندهی فتوحات شرق پایه‌گذاری شد و روزبه روز بر اهمیت و جایگاه آن افزوده گشت، خاستگاه اصلی غلو و مهد ظهور غالبان در سده‌های اول و دوم بود. کوفه همان اندازه که به تشیع نامور است با پدیده غلو و ظهور غالبان نیز آشناست و طوایف مختلفی از غالبان در این شهر ظهور کردند که در دوره‌های پسین حتی رو در روی شیعیان امامی معتدل که از امامت فرزندان امام حسین علیه‌السلام طرفداری می‌کردند ایستادند.^۵

طبق بررسی‌های انجام شده پژوهش‌های مشابهی به صورت مقاله تدوین شده است البته در رابطه با برخی از عناوینی که در این بخش مورد استفاده قرار گرفته است مقالاتی وجود دارد، ولی بصورت موضوعات فرعی هر کدام جنبه‌هایی را مورد بررسی قرار داده اند. مقالات تالیف شده در این زمینه:

۱. زمر/ ۳۰.

۲. تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۳۳.

۳. الصلوة بین التصوف والتشیع، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.

۴. تاریخ الامم والملوک، ج ۳، ص ۴۹.

۵. غالبان، تاریخچه و مناسبات فکری با شیعه امامیه، ص ۱۷.

۱. مقاله « گالیان و شیوه های برخورد ائمه با آنها » اثر معصومه بهنام می باشد در آن سعی شده، به طور خلاصه با نام گالیان، خاستگاه و عقاید آنها، رد عقاید آنها با استفاده از آیات قرآنی، عملکرد و تاثیر آنها در دوره های مختلف و همچنین نحوه برخورد امامان با آنها آشنا شویم.

۲. مقاله « ریشه ها و علل پیدایش غلو در عصر ائمه (ع) » اثر یدالله حاجی زاده. در چکیده آمده: واکاوی ریشه ها و علل پیدایش پدیده خطرناک غلو - که عمدتاً به صورت زیاده گویی در حق ائمه شیعه (ع) نمود یافته - از اهمیت خاصی برخوردار است. بدون شک، آشنایی دقیق با ریشه ها و علل به وجود آورنده غلو، در بسیاری از موارد، می تواند افراد را از گرفتار شدن در این دام خطرناک رهایی بخشد. پژوهش حاضر، که با تکیه بر اسناد متقدم تاریخی، حدیثی، فرقه شناختی و توجه به دیدگاه های صاحب نظران، شکل گرفته، نشان می دهد غلو و گزافه گویی، ریشه در علل و مسائل مختلف روانی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اعتقادی دارد. از عوامل روانی می توان به حب افراطی، حس اسطوره سازی، جهالت و نادانی و تعصبات کورکورانه؛ از عوامل اجتماعی، به فشارهای سیاسی و رفع آنها؛ از عوامل سیاسی، به دشمنی با اهل بیت (ع) و اسلام؛ و از عوامل اعتقادی می توان به اباحی گری، اختلافات فرقه ای و تأثیرات خارجی در این زمینه، اشاره کرد.

روش تحقیق

در مقاله حاضر برای جمع آوری اطلاعات از روش فیش برداری و مطالعه ی منابع کتابخانه ای استفاده شده است. به این منظور منابع موجود مربوط به موضوع بحث شناسایی و به روش فیش برداری، اطلاعات مورد نیاز جمع آوری شده، سپس با توجه به مبانی نظری بحث به توصیف و تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شده است.

۱- شناسایی منابع موجود و فیش برداری مطالب مربوط به موضوع؛

۲- مطالعه و بررسی دقیق گالیان، تاریخچه و عقاید؛

۳- توصیف و تحلیل اطلاعات به دست آمده از گالیان، تاریخچه و عقاید؛

۴- نتیجه گیری با دقت نظر بدون قضاوت و داوری مغرضانه و شخصی.

۱. مفهوم و مصادیق غلات

۱-۱. مفهوم گالیان یا غلات

«غلو» به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حدّ و حدود چیزی است. بنابراین، هر گاه این کلمه در مورد اعتقادات دینی و مذهبی به کار رود، بدان معناست که انسان چیزی را که بدان اعتقاد دارد، از حدّ خود بسیار فراتر ببرد. غُلات جمع غالی از غلو به معنای گذشتن از حدّ است.^۱

۱-۲. مصادیق گالیان

بالا بردن مرتبه پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و یا غیر آنان به مرتبه خدایی یا شریک بودن با خدا در افعال او، از قبیل آفریدن، روزی دادن، میراندن و زنده کردن آفریده ها و یا تفویض و واگذار کردن خدا امور خلق را به آنان و کنار رفتن و دخالت نکردن او در امور یاد شده است.^۲

۱. المفردات، ص ۳۶۵.

۲. مصباح الفقیه، ج ۷، صص ۲۹۰-۲۹۲.



در غلو و بالا بردن به مقام خدایی تفاوتی نیست میان این که غالی اعتقادی به خدای دیگر نداشته باشد یا داشته باشد؛ لیکن بگوید خدا در آنان حلول کرده و یا با ایشان یکی شده است.^۱

اعتقاد به این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، اسماء و اوصاف خدای تعالی و دست قدرت او در جریان فیض الهی به سوی خلق هستند، بدون شک غلو محسوب نمی شود.^۲

۲. گروه های مشهور غلات، و عقاید آن ها

۲-۱. سبائیه (سبئیه)

این فرقه منسوب به عبدالله بن سبا است و در منابع، عقایدی غلو آمیز از قبیل رجعت و بازگشت حضرت محمد(ص) به دنیا، خدا بودن حضرت علی(ع)، تناسخ و... به آن نسبت داده اند. همچنین در برخی کتاب ها، اصل ظهور شیعه و نیز بسیاری از عقاید شیعه را به او نسبت می دهند. برخی معتقدند که طبق تحقیقات تاریخی در زمان حضرت علی(ع) شخصی به نام عبدالله بن سبا وجود نداشته و داستان عبدالله بن سبا، افسانه است.^۳

۲-۲. کیسانیه

فرقه کیسانیه در کتب ملل و نحل به عنوان یکی از فرقه های اصلی شیعه و در ردیف فرقه هایی همانند امامیه و زیدیه قرار گرفته است. این فرقه، پس از فرقه سبائیه به عنوان اصلی ترین، انتشار دهنده عقاید غلو آمیز درباره ائمه اطهار مطرح شده است، تا جایی که گاه اصل غلو را از این فرقه می دانند. اصل این فرقه منسوب به کیسان است. درباره کیسان اقوال زیر مطرح شده است: لقب یکی از غلامان آزاد شده حضرت علی(ع) که در قیام مختار بر ضد بنی امیه نقش اصلی را داشت.

لقب «ابوعمره»، رئیس پلیس کوفه در زمان تسلط مختار بر کوفه.

لقب خود مختار ثقفی.

لقب محمد بن حنفیه فرزند حضرت علی(ع).^۴

۲-۳. مختاریه

مختاریه، از فرقه هایی است که گاه به عنوان کیسانیه و گاه به عنوان یکی از زیرشاخه های کیسانیه مطرح می شود و مستقل از کیسانیه نیست.^۵

۲-۴. هاشمیه

۱. بحوث فی شرح العروة، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲. مصباح الهدی، ج ۱، ص ۴۰۸.

۳. الفتنة الكبرى، ص ۹۸.

۴. فرق الشیعه، صص ۴۲ - ۴۴.

۵. مذاهب الاسلامیین، ج ۲، ص ۷۱.



هاشمیه فرقه‌ای است که به ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه نسبت داده می‌شد. گفته می‌شد طرفداران او اعتقاد داشتند ابوهاشم، مهدی موعود بوده و زنده است و می‌تواند مردگان را زنده کند. شهرستانی این فرقه را یکی از زیرشاخه‌های کیسانیه به حساب آورد.^۱

۲-۵. کربیه

کربیه، یاران «ابن کرب» یا «ابوکرب ضریر» هستند. به او چنین نسبت داده‌اند که معتقد بود محمد بن حنفیه ملقب به مهدی است و این لقب را پدرش، علی(ع)، به او داده است. او نمرده است و نخواهد مرد. اساساً مردن برای او امکان‌پذیر نیست. لیکن اکنون غایب شده است و مکان او معلوم نیست. روزی ظهور خواهد کرد و مالک زمین خواهد شد و تا رجوع او هیچ امامی نخواهد بود. از این فرقه، به عنوان زیرشاخه کیسانیه نام برده شده است.^۲

۲-۶. جناحیه

فرقه جناحیه به عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی‌طالب منسوب است. چون پیامبر اکرم(ص) جعفر را پس از شهادت ذوالجناحین لقب داد، این فرقه را جناحیه خوانده‌اند. نمونه‌ای از عقایدی که به عبدالله و یارانش نسب داده شده است بدین قرار است:

تناسخ ارواح؛

انکار قیامت؛

حلال دانستن همه محرمات؛

اعتقاد به این که عبدالله وصی ابوهاشم، عبدالله بن محمد حنفیه است؛

حرام اعلام کردن ختنه.

فرقه‌های حارثیه و حربیه و بعضی از عقاید آنان را منسوب به عبدالله بن معاویه می‌دانند.^۳

۲-۷. مغیریه

فرقه مغیریه، به مغیره بن سعید بجلی منسوب است که در زمان امام محمد باقر(ع) می‌زیست. مغیره ابتدا خود را نایب از طرف امام باقر(ع) معرفی کرد. سپس، امام را به حد خدایی رساند و خود را پیامبر و امام او دانست.

مغیره در راه پیشبرد اهداف خود از سحر و شعبده و نیرنگ استفاده می‌کرد. او در آغاز کار خود، با کمک یارانش، کتاب‌های حدیثی اصحاب امام را به بهانه استنساخ می‌گرفت و عقاید غلوآمیز خود را با سلسله اسنادی همانند آنچه در آن کتاب‌ها بود در نسخه‌های استنساخ‌شده آن کتاب‌ها جای می‌داد و کتب استنساخ‌شده را در بین شیعیان رواج می‌داد.^۴

۱. الملل و النحل، ص ۱۵۰.

۲. فرق الشیعه، ص ۴۴.

۳. المقالات و الفرق، ص ۴۱.

۴. الأغانی، ج ۱۲، ص ۲۷۰ - ۲۷۲.

۲-۸. بیانیه

بیانیه، منتسب به بیان بن سمعان تمیمی نهدی، است. بیان مورد لعنت امام صادق (ع) بود. کتاب‌های فرقه‌شناسی، عقاید زیر را به بیان و یارانش نسبت داده‌اند: ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه او را وصی خود قرار داده است؛ ادعا می‌کردند که روح خدا در علی(ع)، بعد از علی در محمد بن حنفیه، پس از او در ابوهاشم و پس از وی در بیان فرود آمد. بیان ادعا داشت که با استفاده از اسم اعظم خدا، سیاره زهره را صدا می‌زند و سیاره جواش را می‌دهد.^۱

۲-۹. حارثیه

حارثیه را بر دو فرقه اطلاق کرده‌اند: پیروان حارث شامی و پیروان عبدالله بن حارث مدائنی. گفته شده است که اصحاب عبدالله بن حارث مدائنی به امامت ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه و پس از او به امامت عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب معتقد بودند و بر این باور بودند که «هر کس امام را شناخت، هر چه بخواهد می‌تواند انجام دهد».^۲

۲-۱۰. حربیه

فرقه حربیه به عبدالله بن عمرو بن حرب کندی کوفی منتسب است و از جمله انشعابات کیسانیه به شمار می‌آید. عقاید زیر به این فرقه نسبت داده شده است: ابوهاشم، عبدالله بن عمرو بن حرب را به عنوان امام نصب کرده است؛ روح ابوهاشم در عبدالله حلول کرده است؛ بر این باور بودند که اسباط (فرزندان و اوصیاء پیامبر) ۴ نفر هستند: سبط ایمان و امن، علی(ع) سبط نور، حسن(ع) سبط حجت و مصیبت، حسین(ع) سبطی که اسباب در دست اوست، سوار بر ابر است، باده‌ها را حرکت می‌دهد، مدّ را به وجود می‌آورد، به آسمان هفتم می‌رود و جو را از بین می‌برد، محمد بن حنفیه؛ او را مهدی منتظر می‌دانستند و معتقد بودند که نمرده است، بلکه در کوی رضوی زندگی می‌کند و ۲ شیر و ۲ ببر از او محافظت می‌کنند و ملائکه با او انس می‌گیرند تا زمانی که ظهور بکند.^۳

۱. المقالات و الفرق، ص ۲۸.

۲. تاریخ الشیعه، ص ۱۷۳.

۳. المقالات و الفرق، ص ۲۸.

۱۱-۲. منصوریه

فرقه منصوریه، به ابومنصور عجلی از تیره بنی عجل کوفه منسوب است. ابومنصور، فردی بادیه‌نشین و بیسواد بود. وی بعد از وفات امام باقر(ع) ادعا کرد که امام زین‌العابدین (ع) او را وصی و جانشین امام باقر قرار داده است.

سپس پا را فراتر گذاشت و ادعا کرد که علی بن ابی طالب، حسن، حسین، علی بن الحسین و محمد بن علی پیامبر بودند و من نیز پیامبر هستم؛ پس از من ۶ نفر از فرزندانم به پیامبری می‌رسند که آخرین آنها قائم است.

ابومنصور، پیروانش را به ترور مخالفان خود فرمان می‌داد و می‌گفت هر کس با شما مخالفت ورزد، کافر و مشرک است، پس باید کشته شود و این همان جهاد مخفی است. همچنین، خمس مال کشته‌شدگان را حق قاتل می‌دانست.^۱

۱۲-۲. خطابه

این فرقه منسوب به شخصی به نام محمد بن مقلاص اسدی کوفی أجدع زَرَاد (برآد) بزاز، معروف به ابوالخطاب است. کنیه‌های دیگر وی، ابواسماعیل و ابوالظبیان است.

او از موالی و شغلش پارچه‌فروشی بود. ابوالخطاب، ابتدا از اصحاب امام صادق (ع) به شمار می‌رفت، اما پس از چندی منحرف شد و مهم‌ترین و گزافه‌گوترین فرقه غالی را تشکیل داد، به گونه‌ای که فرقه‌های غالی قبل و بعد از خود را تحت‌الشعاع قرار داد و بسیاری از غلات پس از او، عقاید خود را از او گرفتند.

عقایدی که به خطابه و فرقه‌های منشعب از آن نسبت داده‌اند، به قرار ذیل است:
الوهیت امام جعفر صادق(ع)؛ البته صورت اصلی او در آن عالم و نه جعفری که دیده می‌شود؛
نبوت ابوالخطاب؛

تناسخ؛

اعتقاد به دو پیامبر در هر زمان، یکی ناطق و دیگری صامت.^۲

۱۳-۲. یاران سرّی

سرّی، یکی از سران غلات در زمان امام صادق (ع) است که مورد لعن آن حضرت قرار گرفت. عقاید منسوب به او به قرار ذیل است:

جعفر همان اسلام است و اسلام همان سلام است و سلام خداوند عزوجل است و ما فرزندان اسلام

هستیم.

سرّی، همانند ابوالخطاب، پیامبری است از جانب جعفر.

آنها برای امام صادق (ع) نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و حج می‌گزارند و هنگام تلبیه حج

می‌گفتند: لبیک یا جعفر لبیک.

امام صادق (ع) می‌فرمود: شیطان بر سرّی و بزیع و بیان ظاهر شده است.^۱

۱. همان، ص ۴۶.

۲. همان، ص ۷۸.



۲-۱۴. بشاریه

این فرقه منسوب به بشار شعیری است که در زمان امام صادق و امام کاظم(ع) زندگی می کرد و در سال ۱۸۰ق درگذشت.

این گروه از مخمسه جدا شدند که از پیروان ابوالخطاب بودند. گفته اند که مخمسه قائل به خدایی ۵ تن، یعنی محمد(ص)، علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع) و حسین(ع) معرفی بودند، اما بشار در خدایی محمد(ص) با آنها اختلاف پیدا کرد و از آنها جدا شد.

نام های دیگر این گروه، شعیریه و علبائیه است.

عقاید منسوب به این گروه بدین قرار است:

علی(ع)، پروردگار و خالق است.

محمد(ص)، عبد علی(ع) و رسول علی(ع) است.

خدا بودن امام صادق(ع) را ترویج می کردند.

قائل به تناسخ بودند.

در احکام، اباحی گر را رواج می دادند.^۲

۲-۱۵. بشیریه (مَمَطوره)

این فرقه منسوب به محمد بن بشیر، از موالی بنی اسد و از اصحاب امام موسی کاظم(ع) است.

او در زمان امام موسی کاظم(ع) بر آن حضرت دروغ های فراوانی می بست، و پس از وفات آن حضرت گفت امام موسی کاظم وفات نیافته و تا چندی بین مردم زندگی می کرده و خود را برای اهل نور به صورت نور و برای اهل ظلمت به صورت ظلمت نشان می داده است، اما پس از مدتی مردم از ادراک او در حجاب ماندند، در حالی که حضرت همچنان بین آنها وجود دارد.^۳

نتایج:

جهل و محبت زیاد از سوی شیعیان ساده دل و رسیدن به جاه و مال از سوی رهبران «غلات»، از مهمترین انگیزه های غلوکنندگان است. با استناد به آیات و روایات و موضعگیری اهل بیت (ع) و همچنین مخالفت متکلمان و علماء امامیه با «غالیان»، بطلان این عقیده اثبات میشود.

پیدایی و دیگرگونی جریان غلو هر چند در منابع فرقه شناختی گرایشی عمومی به قلمداد کردن غالیان و پدیده غلو به عنوان یکی از لوازم یا پیامدهای رویکرد شیعی وجود دارد، و البته به رغم آنکه بیشترین بروز و ظهور غلو و غالیان نیز در شیعیان نخستین بوده است، اما با نگاهی به منابع تاریخی این حقیقت آشکار می شود که غلو نسبت به کسان، به ویژه نسبت به رهبران دینی به زمانی پیش از ظهور نخستین گروه های غالی در میان شیعه بازمی گردد.

گروه های مشهور غلات و عقاید آن ها عبارتند از:

۱. فرق الشیعه، ص ۵۸.

۲. المقالات و الفرق، ص ۶۰.

۳. همان، ص ۲۸.



۱. سبائیه (سبئیة) این فرقه منسوب به عبدالله بن سبا است و در منابع، عقایدی غلو آمیز از قبیل رجعت و بازگشت حضرت محمد(ص) به دنیا، خدا بودن حضرت علی(ع)، تناسخ و... به آن نسبت داده‌اند
۲. فرقه کیسانیه در کتب ملل و نحل به عنوان یکی از فرقه‌های اصلی شیعه و در ردیف فرقه‌هایی همانند امامیه و زیدیه قرار گرفته است. این فرقه، پس از فرقه سبائیه به عنوان اصلی‌ترین، انتشار دهنده عقاید غلو آمیز درباره ائمه اطهار مطرح شده است، تا جایی که گاه اصل غلو را از این فرقه می‌دانند.
۳. مختاریه، از فرقه‌هایی است که گاه به عنوان کیسانیه و گاه به عنوان یکی از زیرشاخه‌های کیسانیه مطرح می‌شود و مستقل از کیسانیه نیست.
۴. هاشمیه فرقه‌ای است که به ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه نسبت داده می‌شد. گفته می‌شد طرفداران او اعتقاد داشتند ابوهاشم، مهدی موعود بوده و زنده است و می‌تواند مردگان را زنده کند و...

منابع

۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، تصحیح محمد یوسف الدقاق، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن حزم، ابومحمد بن احمد، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۶ق.
۳. ابوزهره، محمد، تاریخ المذاهب الاسلامیة، بیروت، دارالفکر العربی، بی تا.
۴. اسفراینی، ابوالمظفر، التبصیر فی الدین و تمییز الفرقة الناجیة عن الفرق الهالکین، تحقیق کمال یوسف الحوت، بیروت: عالم الکتب
۵. اشعری قمی، سعد بن عبدالله بن ابی خلف، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ش.
۶. اشعری، ابوالحسن علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین
۷. اقبال آشتیانی، عباس، خاندان نوبختی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷ش
۸. بدوی، عبدالرحمن، مذاهب الاسلامیین، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۳م.
۹. حسنی رازی، سید مرتضی بن داعی، تبصرة العوام فی مقالات الانام، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، تهران: مطبعه مجلس، ۱۳۱۳ش
۱۰. حسین، طه، الفتنة الكبرى علی و بنوه، قاهره، دارالمعارف، بی تا.
۱۱. حمیری، ابوسعید نشوان بن سعید، الحور العین عن کتب العلم الشرائف دون النساء العفاف، تحقیق کمال مصطفی، بغداد، مکتبه المثنی، بی تا.
۱۲. شاطبی، ابراهیم بن موسی بن محمد، الاعتصام، قاهره، مطبعة السعادة، ۱۳۳۲ق
۱۳. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، بی تا.
۱۴. صاحب معالم، حسن بن زین الدین، التحریر الطاوسی، تحقیق فاضل جواهری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۱ق
۱۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال کشی
۱۶. فلوتن، فان، حسن ابراهیم حسن و دیگران، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی امیه.

۱۷. فیاض، عبدالله، تاریخ الامامیة و اسلافهم من الشيعة منذ نشأة التشيع حتى مطلع القرن الرابع، بيروت:موسسة الاعلمی، ۱۴۰۶ق
۱۸. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب، بیروت، دارالمعرفة، بی تا.
۱۹. مظفری، محمدحسین، تاریخ الشيعة، قم، مكتبة البصيرتي، بی تا.
۲۰. مكارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲، كتاب النكاح، تهيه و تنظيم محمدرضا حامدی، مسعود مكارم، انتشارات امام علی بن ابی طالب ع، قم
۲۱. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مركز نشر آثار الشيعة، ۱۴۱۰ق
۲۲. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشيعة، تعليق سيد محمدصادق بحر العلوم، نجف، مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۸ق.
۲۳. وردی، علی، وعاظ السلاطين، بغداد، كلية الآداب و العلوم، ۱۹۵۴م.
۲۴. ولهاوزن، جوليوس، الاحزاب المعارضة السياسية الدينية في صدر الاسلام الخوارج و الشيعة، ترجمه عبدالرحمن بدوی، كويت، وكالة المطبوعات، ۱۹۷۶م.